

مجله‌ی سیاست دفاعی

سال بیست و دوم، شماره‌ی ۱۶، بهار ۱۳۹۳

فرصت‌ها و چالش‌های عمق‌بخشی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان

سیدابراهیم قلی‌زاده ^۱	تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۸/۱۱
محمدرضا کفاش جمشید ^۲	تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۲/۱۱/۲۵
	صفحات مقاله: ۱۷۲ - ۱۳۹

چکیده:

ضمن آن‌که فرصت‌های قابل توجهی برای عمق‌بخشی مطلوب جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان وجود دارد، چالش‌های عمده‌ای نیز در مسیر آن قرار دارد. هدف این مقاله بررسی این فرصت‌ها و چالش‌ها در جمهوری آذربایجان پس از استقلال در سال ۱۹۹۱ می‌باشد. روش تحقیق این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و سعی می‌شود به این سؤال اساسی که چه فرصت‌هایی برای عمق‌بخشی مطلوب جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان وجود دارد و کدام چالش‌ها در عمق‌بخشی مطلوب جمهوری اسلامی ایران در این جمهوری تأثیرگذار می‌باشند؟ پاسخ مناسب ارائه گردد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، جمهوری اسلامی ایران از فرصت‌های عمده‌ای برای عمق‌بخشی در آذربایجان برخوردار است. با این حال، در مقام عمل، نتوانسته است از این فرصت‌ها به‌نحو شایسته‌ای استفاده کرده و به عمق‌بخشی مطلوب خود دست یابد. چالش‌های محیط داخلی آذربایجان از قبیل نوع حاکمیت سیاسی، برداشت‌های ذهنی و ایدئولوژی سیاسی و حضور روزافزون بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جمهوری آذربایجان، از موانع اساسی عمق‌بخشی جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آیند.

* * * * *

واژگان کلیدی

فرصت‌ها، چالش‌ها، عمق‌بخشی، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری آذربایجان.

۱ - دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع).

۲ - دانشجوی دکتری دانشگاه جامع امام حسین (ع).

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و جایگزینی آن با کشورهای کوچک‌تر در ابعاد مختلف تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر جمهوری اسلامی ایران بر جای گذاشت و می‌توانست از بسیاری جهات به نفع آن تمام شود. جمهوری اسلامی ایران سعی کرد تا روابط جدید سیاسی، اقتصادی، فرهنگی با همسایگان جدید خود ایجاد نماید و ضمن عمق‌بخشی اندیشه‌های انقلاب اسلامی با تقویت موقعیت منطقه‌ای خود، به تثبیت و ارتقای جایگاه بین‌المللی خود مبادرت کند.

فروپاشی شوروی و گشایش مرزهای جدید نه تنها حذف تهدید عمده‌ی نظامی و ایدئولوژیک را از جانب ابرقدرت شرق در پی داشت، بلکه استقلال کشورهای نوظهور، فرصت‌های جدید و متنوعی را پیش روی دولتمردان جمهوری اسلامی ایران قرار داد. (هرزیک، ۱۳۷۵: ۱۱) جمهوری آذربایجان یکی از کشورهایی بود که در همسایگی مرزهای جمهوری اسلامی ایران در منطقه‌ی مهم و راهبردی قفقاز پا به عرصه‌ی وجود گذاشت. این کشور مهم‌ترین و بزرگ‌ترین کشور منطقه‌ی قفقاز به‌شمار می‌رود. گذشته از این مشترکات و تشابهات مذهبی، فرهنگی، تاریخی و وجود مرزهای مشترک به طول ۶۳۹ کیلومتر (احدی، ۱۳۸۷: ۱۶۱) فرصت‌های مناسبی را برای ایجاد و تسهیل روابط متقابل فراهم می‌کند. در این چارچوب برقراری و توسعه‌ی روابط با دولت جمهوری آذربایجان، به‌صورت جدی در دستور کار قرار گرفت. با توجه به این شرایط و ویژگی‌ها، موفقیت و امکان توسعه‌ی نفوذ معنوی و عمق‌بخشی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان بیش از سایر جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته به‌نظر می‌رسید، و با ایجاد عمق‌بخشی مطلوب در این کشور یک لایه‌ی امنیتی مناسب به نفع جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌شد. با این حال و در ادامه، موانع و چالش‌های جدی‌ای در سطح داخلی جمهوری آذربایجان و محیط خارجی به‌وجود آمد که مانع از برقراری روابط صمیمانه و گسترده بین دو کشور شد و از عمق‌بخشی مطلوب جمهوری اسلامی ایران ممانعت به عمل آورد. اهمیت و ضرورت این مطالعه از آنجا ناشی

می‌شود که شناخت دقیق و جامع فرصت‌ها و چالش‌های عمق‌بخشی جمهوری اسلامی ایران و برنامه‌ریزی مناسب و صحیح در این زمینه‌ها می‌تواند به تقویت قدرت منطقه‌ای و ارتقای جایگاه آن در مناسبات بین‌المللی منجر شود و از تهدیدات احتمالی آن بکاهد. هدف اصلی این مقاله، بررسی و واکاوی این فرصت‌ها و چالش‌ها در جمهوری آذربایجان پس از استقلال در سال ۱۳۹۱ از ابعاد گوناگون داخلی و خارجی می‌باشد. با این مقدمه در این مقاله می‌خواهیم به این سؤالات پاسخ دهیم: چه فرصت‌هایی برای عمق‌بخشی مطلوب جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان وجود دارد؟ و کدام موانع و چالش‌ها در عمق‌بخشی مطلوب جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان تأثیرگذار می‌باشند؟

مفاهیم و مبانی نظری

فرصت

فرصت^۱ از نظر لغوی به معنای وقت مناسب برای کاری، مجال و نوبت (عمید، ۱۳۸۵: ۹۰۹) و به هر موقعیت سودمندی اطلاق می‌شود. (غفاریان و کیانی، ۱۳۸۶: ۴۵) از نظر صاحب‌نظران مدیریت بحران، فرصت مجموعه شرایط و زمینه‌هایی را شامل می‌شود که باعث دستیابی به اهداف سیاست خارجی می‌گردد. (تاجیک، ۱۳۸۳: ۹) از دید صاحب‌نظران مدیریت، فرصت وجود زمینه یا شانس مطلوب در محیط بیرونی سازمان برای انجام کاری یا تحقق چیزی است که سازمان از طریق آن می‌تواند به نتایج قابل توجهی در جهت تحقق رسالت و چشم‌انداز خود دست یابد. (احمدوند، ۱۳۸۶: ۱۲) در این زمینه، کارشناسان مسائل راهبردی فرصت را فراهم‌شدن عوامل بروز منفعت به‌صورت ناقص می‌دانند. (غفاریان و کیانی، ۱۳۸۶: ۴۵) در این مقاله، منظور از فرصت بهره‌مندی حداکثری از موقعیت‌های مناسب، امکانات و منابع موجود در راستای منافع جمهوری اسلامی ایران با توجه به شرایط حاکم بر محیط داخلی و خارجی کشور آذربایجان می‌باشد.

چالش

1 - Opportunity

تعریف لغوی چالش^۱ در فرهنگ لغت فارسی معین به معنای رفتار از روی کبر و غرور، جولان (فرهنگ معین، ۱۳۵۰) و در فرهنگ دهخدا به معنای زد و خورد، جدال و تلاش (لغت‌نامه‌ی دهخدا) آمده است. فرهنگ علوم انسانی در برابر Ghallenge واژه‌های چالش، چالش‌گری و هم‌اوردجویی (آشوری، ۱۳۷۴، ۶) را قرار داده است. بنابراین، غالباً چالش را معادل Ghallenge تلقی می‌کنند. از جنبه‌ی اصطلاحی چالش، شخص یا رقیب را به ستیز فراخواندن و برانگیختن او برای آن‌که کاردانی و شایستگی خود را ثابت کند (فرهنگ توصیفی آگاه‌سازی حفاظتی، ۱۳۸۶: ۸۸) تعریف شده است. محققان ادبیات فارسی چالش را به "وضعیت جدایی که مسیر آینده‌ی جامعه را از بیرون مورد هجوم قرار داده، حفظ تعادل آن را دچار مشکل و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت‌ساز می‌سازد"، (ذوعلم، ۱۳۸۴: ۳۴-۳۶) اطلاق می‌کند. در این مقاله، منظور از چالش محدودیت‌ها، موانع و فشارهای پیش روی جمهوری اسلامی ایران در کشور آذربایجان که از محیط داخلی و خارجی آن ناشی می‌شود، می‌باشد.

عمق بخشی

در فرهنگ معین، عمق به معنای ژرفا و گودی و عمق بخشی به معنای گود کردن و ژرفا نمودن (فرهنگ معین، ۱۳۵۰) آمده است. صاحب نظران، عمق بخشی را به معنای "ژرفا بخشیدن و نفوذ معنوی در مخاطبان انقلاب اسلامی ایران در خارج از مرزهای کشور از طریق بالا بردن آگاهی و اطلاعات ایشان در خصوص انگیزه‌ها، اهداف و برنامه‌های انقلاب اسلامی" می‌دانند. (علی بخشی، ۱۳۹۱: ۱۰) در اساسنامه‌ی قطب علمی عمق بخشی خارجی انقلاب اسلامی دانشگاه جامع امام حسین^(ع) نیز "عمق بخشی به معنای تقویت، توسعه و افزایش اقتدار و حضور انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف در خارج از مرزهای جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران" تعریف شده است. (علی بخشی، ۱۳۹۱: ۱۰) در تعریف دیگری "عمق بخشی ملی به معنای توسعه و به کارگیری کلیه منابع و امکانات سیاسی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی یک ملت جهت تأمین اهداف ملی است." (قلی زاده، ۱۳۹۱: ۳) با توجه به تعاریف ارائه شده از عمق بخشی، در این مقاله تعریف عملیاتی زیر مدنظر می‌باشد: "توسعه، تقویت و

1 - Ghallenge

افزایش نفوذ معنوی و مادی انقلاب اسلامی در کشور جمهوری آذربایجان با به‌کارگیری منابع و امکانات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی برای تأمین اهداف ملی جمهوری اسلامی ایران."

مؤلفه‌های فرصت‌ساز و چالش‌زا در عمق‌بخشی

کشورها در اجرای برنامه‌های عمق‌بخشی خود از آزادی عمل بی حد و مرزی برخوردار نیستند و مؤلفه‌های متعددی در آن نقش دارند. یکی از مؤلفه‌های تعیین‌کننده عمق‌بخشی عوامل ساختاری^۱ است. عوامل ساختاری شامل محیط داخلی و خارجی می‌باشد. (قلی‌زاده، ۱۳۹۱: ۲-۳) در محیط داخلی یک کشور مؤلفه‌های اساسی زیادی در عمق‌بخشی ایفای نقش می‌کنند. یکی از این مؤلفه‌ها برداشت‌های ذهنی است. برداشت‌های ذهنی سیاستگذاران و حاکمان یک کشور تا حد زیادی در توضیح اهداف و گزینش‌ها یا پاسخ به شرایط نقش دارند. افراد بر مبنای تصاویری که از محیط در ذهن دارند، کنش و واکنش نشان می‌دهند. در سیاست‌گذاری‌ها به‌طور اعم و در تعیین عمق‌بخشی ملی به‌طور خاص، آنچه اهمیت بیش‌تری دارد، برداشت مقامات کشوری و لشکری از محیط است و نه وضعیت عینی محیط. تصاویر ذهنی افراد علاوه بر برداشت‌های ذهنی از واقعیت، شامل ارزیابی آن واقعیت و مفهومی است که از واقعیت برداشت می‌شود. البته این تصاویر و برداشت‌های ذهنی تا حدی مبتنی بر اطلاعاتی است که شخص در مورد محیط دریافت می‌کند، اما به هر حال نقاطی را که در تصور خود از واقعیت خالی می‌بیند، با برداشت‌های ذهنی خود پر می‌کند. (قلی‌زاده، ۱۳۹۱: ۵). وجود برداشت‌های روشن و منسجم از مصالح عمومی و منافع ملی بهترین معیار را برای تدوین سیاست‌های عمومی ارائه می‌دهد. تعریف و تدوین مصالح عمومی و منافع ملی عرصه را بر شکل‌گیری مرجعیت‌های^۲ پایدار و هماهنگ سیاست‌های عمومی می‌گشاید. مرجعیت‌ها تصاویری از واقعیت هستند که زمینه‌ساز کنش و عمل دولتی می‌شوند. (<http://www.ensani.ir>) هیأت حاکمه‌ی یک کشور با اتکا به برداشت‌های ذهنی خود، از مواضع خود با قاطعیت و گاه با تعصب دفاع می‌کنند.

۱- عوامل نظامی از دیگر عوامل تعیین‌کننده عمق‌بخشی به حساب می‌آید.

از دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار در عرصه‌ی محیط داخلی، ایدئولوژی سیاسی کشورهاست. نظام‌های سیاسی مبتنی بر ایدئولوژی، در بیش‌تر مواقع در معرض مبارزه‌طلبی هستند. آنها با هر صبغه‌ای، خود را در کانون حمایت‌ها و دشمنی‌های دیگر ملت‌ها و دولت‌ها قرار می‌دهند؛ به همین دلیل، همواره نگران امنیت خود، پیروان و طرفداران‌شان هستند. (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۶)

ایدئولوژی مجموعه‌هایی جامع از آموزه‌ها و یا دکترین‌هاست که واقعیات را توضیح می‌دهد، اهداف عمل سیاسی را تعیین می‌کند و از سوی رهبران سیاسی به جامعه القا می‌شود. به‌طور کلی، می‌توان برای هر ایدئولوژی سیاسی این نقش‌ها را در تصمیم‌گیری و اقدامات راهبردی در نظر گرفت: اول این‌که ایدئولوژی یک چارچوب ذهنی به‌وجود می‌آورد تا بر اساس آنها سیاست‌گذاران واقعیات‌ها را درک کنند. در این روند اطلاعات و پیام‌های دریافت‌شده از محیط معنا و مفهوم پیدا می‌کند و در طبقه‌بندی خاص مورد تفسیر و تبیین قرار می‌گیرد. دوم، نقش‌های ملی را تعیین می‌کند و تصویر شرایط آتی جهان را ترسیم می‌نماید. سوم، به‌عنوان عامل توجیه منطقی و عقلانی تصمیمات عمل می‌کند. (قلی‌زاده، ۱۳۹۱: ۵) چهارم، ایدئولوژی نوعی نظام اخلاقی ارائه می‌دهد که بر اساس هنجارهای اخلاقی ناشی از آن می‌توان رفتارها و داده‌های درست و نادرست را از یکدیگر تمیز داد. (<http://www.verdinejad.com>)

افکار عمومی^۱ دیگر مؤلفه‌ی تعیین‌کننده در محیط داخلی کشورهاست، و از اهمیت بالایی برخوردار است. دنیای امروز با تکیه بر افکار عمومی اداره می‌شود. اساس افکار عمومی بر نگرش استوار است و نگرش پایه‌ی افکار عمومی است. افکار عمومی به نوعی داوری‌های مردم نسبت به عملکرد حکومت‌ها و مسئولان نیز هست. (<http://mehreardebil.blogfa.com>) حکومت‌ها برای ثبات و بقای خود نیازمند، آرامش و تأیید افکار عمومی هستند و از تمامی ابزارها و توانایی‌های خود برای جهت‌دهی این افکار عمومی در راستای منافع خود استفاده می‌کنند. (<http://hosseima.mihanblog.com>) یکی از دغدغه‌های اساسی حاکمان، چگونگی تعامل با افکار عمومی است که دارای اثرات مهم و قطعی بر تصمیم‌های سیاسی می‌باشد. (<http://hamandishi.net>)

1 - Public Opinion

هیچ حکومتی نمی‌تواند افکار عمومی را نادیده بگیرد. از این‌رو، تصمیم‌گیران باید خواسته‌ها و اولویت‌های مردم را مدنظر داشته باشند و آن را پایه‌ی تصمیمات خود سازند.

وضعیت جغرافیایی یک کشور از دیگر عواملی است که در تدوین عمق‌بخشی کشورها حائز اهمیت است. موقعیت و شرایط جغرافیایی یک کشور چه از لحاظ وضعیت قرارگرفتن آن کشور بر روی کره‌ی زمین و چه از لحاظ فاصله‌ی آن کشور با آب‌های آزاد و ارتباط آن با کشورهای مجاور نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. البته گفته می‌شود که امروزه با پیشرفت‌های فناوری ارتباطات از میزان اهمیت عامل جغرافیایی تا حدی کاسته شده است، اما بی‌تردید عامل جغرافیایی هم‌چنان یکی از عوامل تعیین‌کننده در عمق‌بخشی کشورهاست و هنوز هم در تدوین راهبرد عمق‌بخشی، مسائل جغرافیایی از جمله کمیت و کیفیت منابع طبیعی، موقعیت و مساحت جغرافیایی، میزان منابع موجود و توانایی بهره‌برداری از این منابع دارای اهمیت بسیارند. (قلی‌زاده، ۱۳۹۱: ۵-۶) در شکل زیر مدل تحلیلی مقاله ارائه شده است.



روش تحقیق این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و مؤلفان سعی کرده‌اند تا با گردآوری اطلاعات و داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای بر مبنای استدلال علمی فرصت‌ها و چالش‌های عمق‌بخشی مطلوب جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهند.

معرفی قلمرو مطالعاتی

جمهوری آذربایجان با ۸۶۶۰۰ کیلومترمربع^۱ مساحت (اسدی‌کیا، ۱۳۷۵: ۱) در ساحل غربی دریای خزر و جنوب شرقی منطقه‌ی قفقاز واقع شده و به همراه کشورهای ارمنستان و گرجستان جزو کشورهای قفقاز جنوبی محسوب می‌شود. این جمهوری از طرف شمال به جمهوری فدراتیو روسیه (جمهوری خودمختار داغستان)، از جنوب به ایران و از طرف غرب و شمال غرب به کشورهای گرجستان و ارمنستان محدود است. آذربایجان هم‌چنین از طریق جمهوری خودمختار نخجوان (به‌صورت برونگان) که بخشی از تمامیت ارضی آن است، در محدوده‌ی مرزی به طول ۹ کیلومتر با کشور ترکیه مرز مشترک دارد. (کفاش جمشید، ۱۳۸۴: ۵۹) مجموع مرزهای سیاسی جمهوری آذربایجان با کشورهای همسایه حدود ۲۰۱۳ کیلومتر می‌باشد. جمهوری آذربایجان با ۴۳۴ کیلومتر خط مرزی از طریق خاک اصلی و ۱۷۹ کیلومتر از طریق نخجوان با ایران مرز مشترک دارد. (مجمع تشخیص مصلحت نظام، بی تا، ۲)

فرصت‌ها

فرصت‌های فرهنگی - مذهبی

جمهوری اسلامی ایران تجدید و گسترش روابط با جوامع اسلامی حوزه‌ی جنوبی شوروی سابق را تداوم طبیعی پیوندهای عمیق فرهنگی و تاریخی می‌داند که در اثر چند قرن سیطره‌ی امپراتوری روسیه و بعدها اتحاد شوروی منحل‌شده بود. بیش از هزار سال نفوذ فرهنگی و سیاسی در میان ملت‌های قفقاز برگ برنده‌ای است که نقش برجسته‌ی ایران را در

۱- حدود یک بیستم مساحت ایران

منطقه تحکیم می‌بخشد. (نورزوی، ۱۳۷۹: ۱۳۲) بسیاری از اقوام کهن منطقه مانند مادها به نژاد هند و اروپایی ایرانی تعلق داشته‌اند و یا این‌که تماس‌های فرهنگی نزدیکی با ایرانیان برقرار کرده بودند. از دیدگاه ایران، تمدن مشترک اسلامی - ایرانی توجیه برقراری روابط نزدیک فرهنگی با جمهوری آذربایجان می‌باشد. دولتمردان ایرانی تأکید دارند که فرهنگ اسلامی - ایرانی به توسعه‌ی روابط دوستانه با این کشور کمک می‌نماید. از این‌رو، ایران نقشی اساسی در فرایند احیای پیوندهای فرهنگی برای خود قائل است (هرزیک، ۱۳۷۵: ۷۳) و نگاه آن به منطقه‌ی قفقاز عمدتاً فرهنگی بوده است؛ فرهنگی که طبیعتاً اسلام هم در آن هست. وزیر اسبق امور خارجه‌ی ایران علی اکبر ولایتی در سال ۱۳۷۱ در این خصوص چنین اشاره می‌کند: "هویت فرهنگی واقعی این منطقه، مجموعه‌ای است از ارزش‌های اسلامی و سنت‌های دیرین و کهن، ایران مصمم است که مردم این کشورها با بهرگیری از این دو، به جریان اصلی تمدنی خودشان یا دنیا برگردند." (عطایی، ۱۳۷۹: ۵۴)

در میان مؤلفه‌ها و عناصر فرهنگی دین اسلام، محوری‌ترین عنصر هویتی ملت آذربایجان است. مسلمانان ۹۳ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند که از این تعداد ۷۰ الی ۷۵ درصد شیعه و بقیه سنی مذهب هستند.^۱ با این‌که آذربایجانی‌ها هفتاد سال در حاکمیت الحادی روس‌ها با رویه‌های مختلف همانندسازی شدند، همواره بر مسلمان‌بودن خود تأکید داشته و دست‌کم در رفتارهای اجتماعی خویش آن را نشان داده‌اند. جمهوری آذربایجان تنها کشور منطقه‌ی قفقاز با اکثریت شیعه می‌باشد. این امر در کنار شمار قابل ملاحظه‌ی آذربایجانی‌های ایرانی بر شکوفایی روابط فرهنگی بین دو کشور در سطوح خرد و رسمی تأثیر داشته است. ایران از زوار آذربایجانی استقبال می‌کند و ارتباط نزدیکی با روحانیت آن کشور برقرار کرده است. بعد از استقلال این کشور، تعداد مساجد افزایش قابل توجهی پیدا کرد. بیش‌تر این مساجد با کمک کشورهای مسلمان مانند کویت، ترکیه، ایران، عمان و عربستان سعودی احداث یا بازسازی شده است. افزایش تعداد مساجد از ۱۶ باب در سال ۱۹۷۶ به ۲۰۰ باب در سال ۱۹۹۱ و

۱ - کشور آذربایجان دومین کشور شیعه‌ی جهان به حساب می‌آید.

۱۸۰۰ باب در سال ۲۰۱۰، یکی از شاخص‌های معتبر در ارزیابی جایگاه اسلام در جامعه‌ی جمهوری آذربایجان است. بنابراین، ملاحظه می‌شود که در زمینه‌ی فرهنگی، چشم‌انداز برقراری روابط با جمهوری آذربایجان وجود داشته است، به‌ویژه آن‌که جمهوری آذربایجان و ایران به جهان فرهنگی مشترکی تعلق دارند و این کشور در طول تاریخ در امتداد حوزه‌ی فرهنگی ایران قرار داشته است. در برآورد کارشناسانه از فضای عمومی جریان‌های اسلام‌گرا در جامعه‌ی آذربایجان سه طیف بین مسلمانان این جمهوری دیده می‌شود. طیفی از آنها که حدود ۲۰ درصد را شامل می‌شود، در نتیجه‌ی یکسان‌سازی دوران حاکمیت روس‌ها، به دین بی‌اعتنا هستند. طیف بزرگی از آنها در حدود ۶۵ درصد دین اسلام را به‌عنوان مهم‌ترین عنصر هویتی خود پذیرفته‌اند و سعی دارند جلوه‌هایی از آئین‌های اسلامی را در مناسبات اجتماعی و فرهنگی خود به نمایش بگذارند. این طیف، اسلام را در چارچوب مسائل اجتماعی - فرهنگی می‌پذیرند و علاقه‌ای به سیاسی کردن آن نشان نمی‌دهند. طیف سوم از مسلمانان در حدود ۱۰ الی ۱۵ درصد مایل به سیاسی کردن هویت اسلامی خود هستند و از اوایل استقلال، بخشی از آنها کنش سیاسی خود را به سیاسی کردن اعتقادات اسلامی معطوف کرده‌اند. (فلاح، ۱۳۹۰: ۲-۳)

اصلی‌ترین این گروه و طیف اسلام‌گرایان حزب اسلامی آذربایجان است که بیش‌تر رهبران آن در زندان بسر می‌برند. مقامات امنیتی آذربایجان این افراد را متهم به بنیادگرایی اسلامی و ایجاد مانع بر سر راه سکولاریسم و وحدت ملی می‌کنند. (واحدی، ۱۳۸۲: ۳۱۴) تبلیغ اندیشه‌های اسلامی، توسعه‌ی مساجد، سازماندهی هیأت‌های مذهبی، برگزاری راهپیمایی روز قدس، برگزاری مراسمات عزاداری‌های مربوط به ماه‌های محرم و صفر، برگزاری کنفرانس در مورد مسائل جهان اسلام به‌خصوص در مورد فلسطین، مخالفت با توسعه‌ی روابط جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی، حمایت از مواضع منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، مخالفت با حضور ناتو و کشورهای بیگانه در آذربایجان و انتقاد از سیاست‌ها و برنامه‌های ضد‌دینی حاکمیت از جمله کار ویژه‌ی حزب اسلامی و سایر جریان‌های اسلام‌گرای شیعی در سال‌های اخیر بوده است. (فلاح، ۱۳۹۰: ۳) برخی از کارشناسان بر این باورند که از جنبه‌ی فعالیت‌های دینی و فرهنگی یک رشد قابل توجهی را در جمهوری آذربایجان شاهد

هستیم. به عقیده‌ی یکی از این کارشناسان در اوایل استقلال جمهوری آذربایجان، گرایشات دینی با اولویت مباحث تشیع در حد صفر بوده است، در حالی که هم‌اکنون به ۲۲ درصد رسیده است. این میزان رشد، ارزیابی و سنجش مؤسسه‌ی پیو^۱ است که میزان رشد ۲۲ تا ۲۷ درصد را مطرح کرده است. کسانی که صاحب گرایشات دینی شده‌اند در واقع افرادی هستند که نماز می‌خوانند، روزه می‌گیرند، حجاب دارند و زکات و خمس می‌دهند. یکی از شاهدان عینی در مسافرتی که به یکی از شهرهای آذربایجان به نام مینگه چویر داشته، شاهد اقامه‌ی نماز جمعه با حضور حدود ۷۰۰ نفر بوده است. این شاهد عینی تعداد افراد حاضر در نماز صبح یکی از مساجد گنجه را بیش از نمازگزاران مساجد ایران اعلام کرده است. می‌توان ادعا کرد نوعی شکوه اسلامی و هیجان در آذربایجان ایجاد شده است که امیدوارکننده است، و نشانه‌های آن را می‌توان مشاهده کرد. خود آذری‌ها یک جمله‌ی عجیبی دارند و می‌گویند وقتی حضرت امام خمینی در سال ۱۳۵۷ از پله‌های آن هواپیما پایین می‌آمد، نور الهی در قلب ما وارد شد. در مناطق مرزی آذربایجان در بخش‌های جنوبی نزدیک مرزهای ایران گرایشات دینی گسترده‌تری دارد. آماری وجود دارد که در بعضی از زیارتگاه‌ها در طول ۴۰ روز (از اول محرم تا اربعین) حدود ۲ میلیون نفر زائر به ایجا آمده‌اند. از این رو، تمایلات دینی در حال افزایش است. (مصاحبه‌ی مؤلف با کارشناس مسائل جمهوری آذربایجان، ۱۳۹۲)

بنابراین، ملاحظه می‌شود که جمهوری اسلامی ایران از ابتدای استقلال این کشور در نظر داشت تا به بازیابی ریشه‌های معنوی و فرهنگی آن کمک کند، با این حال موانع قابل ملاحظه‌ای نیز در این زمینه وجود داشته است. جدا از نظام‌های کاملاً متفاوت سیاسی حاکم بر ایران و جمهوری آذربایجان، تسلط هفتاد ساله‌ی حاکمیت مارکسیسم - لنینیسم بر شمال ارس و به‌ویژه مقابله‌ی آشکار، مستقیم و بی‌پروا با مذهب و مظاهر دینی، بافت و ساختار متفاوت فرهنگی - اجتماعی این جمهوری (کریمی‌پور، ۱۳۷۸: ۸۲) از جمله‌ی این موانع به‌شمار می‌آیند. از

۱ - سنجش مؤسسه‌ی پیو (CenterPew Research) موسسه‌ای تحقیقاتی در آمریکاست که در زمینه‌ی دین و زندگی عمومی فعالیت می‌کند.

همان سال‌های اولیه‌ی استقلال، هیأت حاکمه‌ی آذربایجان برای تقویت روح ملی‌گرایی آذربایجانی، سیاست‌های فرهنگی خود را به سمت ترویج ارزش‌های آذری و به‌ویژه موسیقی مقامی و عاشیقی آذری با محتوای ترویج حس ملی‌گرایی سوق داده است. در ادامه در دوران حکومت الهام علی‌اف و با بروز نشانه‌های رشد ارزش‌های مذهبی و دینی در جامعه‌ی آذربایجان، سیاست‌های فرهنگی دولت جمهوری آذربایجان تحت رهبری بنیاد حیدر علی‌اف با ریاست مهربان علی‌آوا^۱ در راستای سیاست‌های فرهنگی لیبرالیستی و غربی بوده است. در این سال‌ها محتوای برنامه‌های تلویزیونی با تغییری محسوس مواجه شد و فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی غربی و به‌ویژه هالیوودی مورد توجه قرار گرفتند. بنیاد حیدر علی‌اف تحت عنوان حمایت از موسیقی ملی آذربایجان به حمایت از برنامه‌های فرهنگی پرداخت که حاصل آن تبلیغ موسیقی پاپ و بیگانه از فرهنگ آذری بود. تخصیص هزینه‌های کلان جهت اعزام نمایندگانی برای شرکت در مسابقات یوروویژن و میزبانی از آن که هیچ‌گاه نماد و نشانه‌ای از فرهنگی بومی آذربایجانی در آن دیده نمی‌شود، در تداوم این سیاست‌ها قابل ارزیابی است.

(<http://www.arannews.ir>)

روندهای فرهنگی در کشور آذربایجان مؤید آن است که ارزش‌ها و مظاهر فرهنگی غرب به‌صورت روزافزونی در حال گسترش بوده و در مقابل ارزش‌های اسلامی هنوز جایگاه شایسته‌ی خود را به‌دست نیاورده است. از جنبه‌ی مذهبی اگر چه کشور آذربایجان دومین کشور شیعه‌ی جهان است، با این حال حاکمیت سیاسی و ارکان دولت، دینی محسوب نمی‌شوند و به‌دنبال پیاده‌کردن حکومتی سکولار و لیبرال هستند. در عین حال، دولتمردان آذربایجان نگران تأثیرپذیری جمعیت غالب شیعی جامعه از نفوذ اسلام انقلابی بوده و راهبردهای خود را برای مقابله با گرایشات اسلامی الهام‌گرفته از جمهوری اسلامی ایران و ترویج الگوی دینی خاص که به‌نحوی مورد قبول حاکمیت و سازگار با اصول آن باشد، سازماندهی و دنبال می‌کنند. با این حال، علائم و نشانه‌های امیدوارکننده‌ای از افزایش

۱ - همسر الهام علی‌اف رئیس جمهور جمهوری آذربایجان

گرایش‌ات دینی در جامعه‌ی آذربایجان مشاهده می‌شود. بنابراین، باید گفت که اگرچه هم اکنون ظرفیت‌ها، زمینه‌ها و بسترهای بالقوه‌ی مناسب و لازم برای توسعه‌ی همکاری‌های فرهنگی و مذهبی متقابل و عمق‌بخشی وجود دارد، با این حال نمی‌توان از این کشور به‌عنوان یک شریک فرهنگی بالفعل نام برد.

فرصت‌های تاریخی

منطقه‌ی قفقاز و به‌ویژه قلمرو کنونی جمهوری آذربایجان جایگاه مهمی را در جغرافیای تاریخی تمدن ایرانی به خود اختصاص داده است. بخش اعظم این منطقه جزئی از امپراتوری‌های ایران قبل از اسلام بوده و به نژاد هند و اروپایی ایرانی تعلق داشته‌اند. (هرزیگ، ۱۳۷۵: ۴۴) مطالعه‌ی ادوار تاریخی نشان می‌دهد که در بیش‌تر دوره‌های تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانیان، ساسانیان، دوران اسلامی و حکومت‌های محلی غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، تیموریان، صفویان، افشاریه و قاجاریه سرزمین کنونی آذربایجان جزئی از کشور ایران بوده و کوه‌های قفقاز به‌عنوان سرحدات آن ایفای نقش کرده است. (کفاش جمشید، ۱۳۷۵: ۱۴۱، ۱۴۸) بی‌تردید این پیوستگی سرزمینی و تاریخی در طول تاریخ چند هزار ساله به خودی خود و به‌صورت طبیعی پیوندها و وابستگی‌های متقابل را در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شکل داده است که می‌تواند به‌عنوان یک فرصت طلایی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. بنابراین، تاریخ مشترک ایران و جمهوری آذربایجان از جمله مؤلفه‌های نزدیکی دو کشور به‌حساب می‌آیند. (امیراحمدیان، ۱۳۸۴: ۴۵) در این خصوص، برگزاری جشن‌ها و آئین‌های باستانی نوروزی مانند مراسم چهارشنبه‌ی آخر سال و سفره‌ی هفت سین، برخورداری از میراث ادبی مشترک گذشتگان مانند آثار بزرگانی هم‌چون نظامی گنجوی، خاقانی شبروانی، فردوسی و حافظ، وجود مذهب، باورها و آداب و رسوم مشترک، و شخصیت‌های برجسته‌ی تاریخی و فرهنگی مورد احترام مانند شاه اسماعیل و شهریار فرصت‌های مطلوب و بسیار مناسبی را برای حضور مؤثر جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان فراهم می‌کند و نشان‌دهنده‌ی عمق روابط تاریخی است.

هرچند بر مشترکات تاریخی در کشور ایران و آذربایجان تأکید می‌شود، با این حال در مورد تاریخ دیدگاه‌های دو کشور در نقطه‌ی مقابل هم قرار دارد. در جمهوری اسلامی ایران مردم و دولتمردان بر این باورند که در قرن نوزدهم منطقه‌ی قفقاز به زور توسط روس‌ها از ایران جدا شده است. در آموزش‌های تاریخی نیز در مقاطع مدرسه‌ای و دانشگاهی آذربایجان و نخجوان بخشی جدا شده از سرزمین بزرگ ایران شناخته می‌شود و یا حداقل چنین القا می‌شود (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۷۷) و پیوستن مجدد آن به سرزمین ایران در میان عامه‌ی مردم ایران به صورت غیررسمی مطرح می‌باشد. در این میان، ملی‌گرایان جمهوری آذربایجان دیدگاه متفاوتی دارند و خواهان ایجاد آذربایجان مستقل هستند. (هرزیک، ۱۳۷۵: ۴۷) با فروپاشی شوروی، روشنفکران جمهوری آذربایجان به منظور مقابله با بحران هویت به وجود آمده به فکر ساختن پیشینه‌ی تاریخی برای سرزمین خود بر آمدند و به نوعی از تاریخ‌نگاری روی آوردند که مبتنی بر اسناد، منابع و مدارک معتبر تاریخی نبود. (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۵۸) در این کشور، استفاده از ابزار تاریخ برای هویت بخشیدن به قومیت آذری و ارائه‌ی یک تاریخ طولانی (و البته مستقل) برای مردم آذربایجان توسط دولت آذربایجان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از آنجا که دولت آذربایجان فاقد یک تاریخ مستقل طولانی است، تاریخ‌سازی در این کشور از اولویت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. در این راستا، در کتب آموزشی برای دانش‌آموزان مطالبی گنجانده شده که تاریخ آذربایجان را هزاران سال معرفی می‌کند، و یک جعل تاریخی مستمر در حال انجام است. (کفاش جمشید، ۱۳۸۴: ۱۹۹) در واقع، وابستگی تاریخی و فرهنگی به ایران، تحریف تاریخ و زدودن حافظه‌ی تاریخی مردم جمهوری آذربایجان (پورمهرانی، ۱۳۸۹: ۶۰) را در این کشور به یک سیاست رسمی و علنی تبدیل کرده است. بررسی محتوای کتب درسی تاریخ کلاس‌های پنجم، نهم، یازدهم و دو کتاب دانشگاهی منتشر شده در جمهوری آذربایجان پس از استقلال رواج تاریخ‌نویسی غیرمستند و غیرعلمی (امیراحمدیان، ۱۳۸۴: ۶۷) را نشان می‌دهد. از آنجا که کتاب‌های درسی در شکل دادن به هویت ملی و افکار عمومی یک کشور نقش اصلی را دارد، می‌تواند پیامدهای منفی را به دنبال داشته باشد. بی‌تردید این سبک عقاید می‌تواند موانع جدی و زیادی را بر سر راه روابط دو کشور ایجاد کند. در مجموع، پیوستگی و اشتراکات تاریخی

مسلم دو کشور بیش از آن‌که محملی برای توسعه‌ی روابط باشد، به موضوعی مناقشه برانگیز تبدیل شده است. با این حال و در شرایط حاضر، مشترکات تاریخی به‌طور بالقوه به‌عنوان یک فرصت، عامل مهمی برای نفوذ سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان به‌حساب می‌آید، ولی هنوز به یک فرصت بالفعل مؤثر تبدیل نشده است.

فرصت‌های جغرافیایی

مهم‌ترین مزیت ایران نسبت به منطقه‌ی قفقاز هم‌مرز بودن است (عطایی، ۱۳۷۹: ۵۶)؛ مزیتی که رقبای ایران مانند ترکیه از آن بی‌بهره هستند. جمهوری اسلامی ایران ۷۶۷ کیلومتر با آذربایجان مرز خشکی مشترک دارد. نقش برتر موقعیت ژئوپلیتیکی ایران برای کشور محصور در خشکی جمهوری آذربایجان اهمیت بسیار دارد. گشایش گذرگاه‌های مرزی ایران و جمهوری آذربایجان در آستارا، انزلی، پيله‌سوار و جلفا و پل‌دشت دروازه‌های تازه‌ای بر روی آذربایجان گشوده است. سرمایه‌گذاری‌های عظیم ایران در زیربناهای حمل و نقل مانند پایانه‌ها، بنادر، راه‌آهن، شبکه‌ی راه‌های زمینی، گذرگاه‌های مرزی، توسعه‌ی گمرک امکانات ارتباطی گسترده‌ای را در اختیار جمهوری آذربایجان و سایر همسایگان شمالی برای ارتباط با جهان خارج فراهم کرده است. (امیر احمدیان، ۱۳۸۲: مقدمه) با توجه به وجود خط ساحلی نسبتاً طولانی ایران به طول ۶۵۷ کیلومتر (همان) در دریای خزر دو کشور از مرزهای دریایی نیز برخوردار بوده و مبادلات دریایی از قدیم میان آنها وجود داشته است. بنادر انزلی و باکو در حال حاضر نیز فعال می‌باشند.

عدم پیوستگی جغرافیایی و دو تکه‌بودن و نبود امکان ارتباط مستقیم با یکدیگر از مهم‌ترین و عمده‌ترین مشکلات کشور آذربایجان به‌شمار می‌رود، به‌نحوی که جدا بودن جمهوری خودمختار نخجوان از خاک اصلی جمهوری آذربایجان به‌عنوان بخش برون‌گان آن، مشکلات زیادی را برای این کشور ایجاد کرده است. پس از فروپاشی شوروی و قطع ارتباط دو بخش کشور از طریق منطقه‌ی قره‌باغ (دالان لاجین) و جاده‌ی کنارگذر در امتداد رود ارس از طریق کشور ارمنستان، جمهوری خودمختار نخجوان در انزوا قرار گرفت. از آن زمان به بعد،

جمهوری آذربایجان با استفاده از قلمرو جمهوری اسلامی ایران با نخجوان ارتباط برقرار می‌کند.^۱ اغلب نیازمندی‌های نخجوان مانند سوخت، گاز و برق از طریق ایران تأمین می‌شود و هر نوع عدم اجازه‌ی جمهوری اسلامی ایران به استفاده از خاک‌اش و قطع ارتباط دو بخش جمهوری آذربایجان می‌تواند مشکلات زیادی را برای مردم نخجوان به‌وجود آورد. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۷: ۳۵-۳۷) از دیگر مشکلات جغرافیایی جمهوری آذربایجان می‌توان به محصور در خشکی بودن و عدم دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد اشاره کرد که به شدت این کشور را به کشورهای معبر همجوار خود مانند گرجستان، ارمنستان و جمهوری اسلامی ایران وابسته کرده است^۲، به‌طوری‌که نفت خام این کشور از طریق گذر از خطوط لوله‌ی باکو- سوپسا (در ساحل گرجستان در دریای سیاه)، خط لوله‌ی باکو- تفلیس- جیحان، یا خطوط لوله‌ی باکو- نووروسیسک (بندر روسی در دریای سیاه)، و سوآپ از طریق ایران به بازارهای جهانی صادر می‌شود. راه‌های ارتباطی این کشور نیز با جهان خارج از طریق جنوب ایران و از شمال روسیه امکان‌پذیر می‌شود. به همین دلیل، جمهوری آذربایجان در سیاست خارجی خود همیشه باید ملاحظات ژئوپلیتیکی همسایگان به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران را در نظر داشته باشد. این موضوع، توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی این کشور را در گرو دسترسی به خطوط مواصلاتی و ترانزیتی کشورهای مجاور قرار داده است. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۶) آنچه مسلم است عامل مهم جغرافیا و وابستگی جمهوری آذربایجان در این زمینه به جمهوری اسلامی ایران نتوانسته است به‌عنوان یک فرصت مهم مورد بهره‌برداری قرار گیرد. بروز تنش‌های فصلی در روابط دو کشور و نقش‌آفرینی دولت‌های خارجی همواره در تضعیف فرصت‌های جغرافیایی تأثیرگذار بوده‌اند. به‌عنوان مثال، عدم تمدید تسهیلات گذر مرزی تا عمق ۴۵ کیلومتری از سوی پارلمان جمهوری آذربایجان در سال ۱۳۹۱ و غیرفعال بودن دو

۱ - در سال حدود یک میلیون نفر از اتباع جمهوری آذربایجان به ایران سفر می‌کنند که بیش‌تر این افراد از مسیر ایران برای سفر به نخجوان استفاده می‌کنند.

۲ - البته جمهوری آذربایجان از طریق دریای خزر و کانال ولگا- دن به دریاهای آزاد راه دارد که از نظر حمل و نقل با محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی خاص خود روبروست.

پایانه‌ی مرزی تازه‌گند- پارس‌آباد و اصلاندوز در استان مرزی اردبیل و تعطیلی گاه و بی‌گاه سایر پایانه‌های مرزی نمونه‌ای از عدم بهره‌گیری از امکانات و ظرفیت‌های موجود ارتباطی به‌شمار می‌رود. موقعیت برتر جغرافیایی ایران نسبت به جمهوری آذربایجان که به‌عنوان یک کشور محصور در خشکی و فاقد دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد شناخته می‌شود، هنوز به کسب امتیازات مؤثر، مفید و در راستای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران منجر نشده است. کنار گذاشتن مسیر ایران از طرح‌های انتقال انرژی جمهوری آذربایجان فارغ از ابعاد و منافع اقتصادی دارای ابعاد سیاسی است. عبور خطوط انتقال انرژی از ایران می‌توانست یک اهرم قدرت سیاسی باشد، و آن را در موضع چانه‌زنی بالاتری قرار دهد. چنین موقعیتی ایران را در سیاست‌های منطقه‌ای به‌عنوان یک مرکز ثقل ترانزیتی مطرح می‌کرد. گذشته از این وابستگی جمهوری آذربایجان به قلمرو سرزمینی ایران که در ارتباط زمینی با جمهوری نچجوان به‌نحو بارزی به نمایش گذاشته می‌شود و تنها راه ارتباطی نیز به حساب می‌آید، یک مزیت ژئوپلیتیکی انکارناپذیری است که بهره‌برداری و مدیریت مناسبی از آن نشده است.

فرصت‌های اقتصادی

اگرچه به دلیل همسایگی و وجود مرزهای مشترک طولانی، اشتراکات دینی، فرهنگی، تاریخی، توانمندی‌های اقتصادی و عضویت ایران و جمهوری آذربایجان در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مانند اکو و سازمان کنفرانس اسلامی، دو کشور از زمینه‌های بسیار مناسبی برای توسعه‌ی روابط اقتصادی برخوردار هستند؛ با این حال، حجم مبادلات تجاری دو کشور در سال‌های اخیر از رقم ۵۰۰ میلیون دلار بالاتر نرفته است. (<http://www.arannews.ir>) این در حالی است که در اوایل استقلال جمهوری آذربایجان، جمهوری اسلامی ایران اولین شریک تجاری این کشور به حساب می‌آمد. (امیراحمدیان، ۱۳۸۴: ۱۲۱) هم‌اکنون ظرفیت‌های بسیار زیادی در زمینه‌های تجارت، ترانزیت و بخش‌های نفت و گاز و طرح‌های انرژی با در نظر گرفتن عامل نزدیکی مسافت و اقتصادی بودن هزینه‌های حمل و نقل وجود دارد (<http://www.aztpo.com>) که متأسفانه به‌نحو مناسبی مورد استفاده قرار نگرفته است. از جنبه‌ی مفهوم اقتصادی و منافع مادی ویژگی‌های

ترانزیتی ایران در طول ۱۰۰۰ کیلومتر مرز دریایی و زمینی با برخورداری از بنادر فعال و پایانه‌های مختلف و متنوع، خود به تنهایی یک مزیت عالی به حساب می‌آید که هیچ‌کدام از رقبای ایران از آن برخوردار نیستند. در مقابل رقبای ایران همانند ترکیه علی‌رغم عدم برخورداری از چنین ظرفیت‌هایی، در سال‌های اخیر فعالیت‌های تجاری خود را در جمهوری آذربایجان در سطح بسیار گسترده‌ای توسعه داده‌اند. آمارهای تجاری نشان می‌دهد ترکیه در سال‌های اخیر بیش از دو میلیارد دلار در بخش‌های مختلف اقتصادی این کشور سرمایه‌گذاری کرده و بیش از ۱۳۰۰ شرکت ترکیه‌ای در این کشور به ثبت رسیده است. هم‌چنین مبادلات تجاری ترکیه و جمهوری آذربایجان در سال ۱۳۹۰ به بیش از سه میلیارد دلار افزایش یافته است. (<http://www.arannews.ir>) گذشته از موانع سیاسی و عدم وجود اراده‌ی سیاسی قوی مقامات دو کشور، پایین بودن کیفیت کالاهای ایرانی، ضعف ساختارهای اقتصادی برای هدایت تجار ایرانی، نامناسب بودن بسته‌بندی کالاهای ایرانی، کمبود منابع مالی و عدم وجود مراودات بانکی بین دو کشور از جمله دلایلی است که در عدم توسعه‌ی مناسبات اقتصادی و بهره‌گیری از فرصت‌ها و ظرفیت‌های موجود تأثیرگذار بوده‌اند. بدیهی است در صورتی که زمینه‌ها و فرصت‌های اقتصادی یاد شده بین دو کشور به صورت بهینه و مطلوب مورد استفاده قرار گیرد و روابط اقتصادی دوجانبه به سطح قابل قبولی برسد، می‌تواند به کاهش اختلافات در سایر حوزه‌ها کمک نماید.

چالش‌ها

چالش‌ها در محیط داخلی جمهوری آذربایجان

از جنبه‌ی محیط داخلی جمهوری آذربایجان، عوامل زیادی از جمله نوع حاکمیت، برداشت‌های ذهنی و ایدئولوژی سیاسی در ایجاد مانع و چالش برای اجرای برنامه‌های عمق‌بخشی جمهوری اسلامی ایران مؤثر بوده است.

نوع حاکمیت

از عوامل مهم همگرایی و واگرایی کشورها در عرصه‌ی نظام بین‌الملل میزان تقارب و تفارق ساختار و ماهیت سیاسی دولت‌های حاکم است. جمهوری اسلامی ایران و جمهوری

آذربایجان از دو نوع نظام سیاسی متفاوت برخوردارند. در حالی که در ایران نظام سیاسی ماهیتی دینی دارد و جهت‌گیری کلی کشور در حوزه‌ی سیاست داخلی و خارجی بر مبنای آموزه‌های اسلامی تعیین می‌شود، نظام سیاسی جمهوری آذربایجان به تفکیک ساحت دین از سیاست تمایل دارد. (امیری، ۱۳۸۵: ۲۶۵) گذشته از این در جمهوری آذربایجان، ناسیونالیسم آذری گفتمان هویتی غالب و مورد حمایت دولت و اکثریت ملت آذربایجان است. در این گفتمان چندان به مباحث مذهبی اهمیت داده نمی‌شود و دین اسلام فقط بخشی از هویت ترکی - آذری تفسیر شده و پذیرفته می‌شود. این گفتمان هویتی با توجه به تأثیرات برون‌مرزی، بخشی از فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مناطق قومی جمهوری اسلامی ایران را هم متأثر می‌سازد. (فلاح، ۱۳۹۰: ۵) ملی‌گرایان آذری جمهوری آذربایجان قویاً مجذوب مفهوم وحدت به اصطلاح آذربایجان شمالی و آذربایجان جنوبی هستند، زیرا از نظر آنها یک آذربایجان بزرگ از قدرت بیش‌تری برخوردار خواهد بود. از نظر ملی‌گرایان آذری این قدرت در وهله‌ی اول باید در برخورد با انضمام طلبان ارمنی به‌کار گرفته شود. (فولر، گراهام، ۱۳۷۳: ۱۹۹-۲۰۰) در مجموع، تفاوت میان ماهیت نظام سیاسی ایران (دینی) و نظام سیاسی آذربایجان (لائیک) ضمن آن‌که تأثیر منفی و بازدارنده بر توسعه‌ی روابط دو کشور داشته است، یکی از عوامل اصلی عدم موفقیت ایران در عمق‌بخشی مناسب به‌شمار می‌رود.

برداشت‌های ذهنی

برداشت‌های ذهنی هیأت حاکمه‌ی آذربایجان از همان ابتدای تشکیل آن در تعارض با جمهوری اسلامی ایران قرار داشته است. در آغاز استقلال که جبهه‌ی خلق به رهبری ابولفضل ایلچی بیگ با استفاده از فضای ملی‌گرایی، حکومت این کشور را در دست گرفت، با بحران بزرگ جدایی‌طلبی، تجزیه و در نهایت جنگ روبرو شد. در این دوره، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اعلام بی‌طرفی و در برخی موارد میانجی‌گری و دعوت به مذاکره و توصیه به حل مسائل در درون منطقه بود، اما با توجه به برداشت‌های ذهنی‌ای که رهبران جمهوری آذربایجان داشتند، ایران را متهم به ارائه‌ی کمک‌های تسلیحاتی و نظامی و حمایت از ارمنستان (امیراحمدیان،

۱۳۸۲: ۱۲۴) نمودند و با تشدید تبلیغات شدید ضد ایرانی دامنه‌ی این اتهامات را گسترش داده، شکست‌های پی‌درپی خود را به گردن ایران انداختند. (امیری، ۱۳۸۵: ۲۵۲) انتظار مقامات جمهوری آذربایجان از ایران این بود که در جنگ با ارمنستان به حمایت از مواضع آنها پرداخته و یا به نفع آنها وارد جنگ شود. سیاست‌های حمایتی ایران از هویت‌طلبان دینی و احزاب مخالف دولت آذربایجان و مناسبات عمیق ایران با ارمنستان از دیگر برداشت‌های ذهنی دولتمردان جمهوری آذربایجان به‌شمار می‌رود. (<http://www.asnoor.ir>) نکته‌ی مهمی که باید به آن توجه شود این است که هم‌اکنون، در جمهوری آذربایجان برداشت‌ها و نحوه‌ی نگرش امنیتی گسترش یافته و جایگاه همسایگان و متحدان پیش از هر چیز با توجه به تأثیری که آنها بر امنیت ملی آذربایجان می‌گذارند، ارزیابی می‌شود. از این‌رو، هر اندازه تفکرات همسایگان و یا متحدان آذربایجان به تثبیت ساختارهای سیاسی و ملی آذربایجان کمک کند، آنها در اولویت بیش‌تری برای دوستی و همکاری قرار می‌گیرند و بر عکس هر اندازه نفوذ و حضور این کشورها در میان احزاب سیاسی و لایه‌های اجتماعی به ساختارها و مبانی ارزشی، فکری، سیاسی، اجتماعی و امنیتی دولت آذربایجان لطمه وارد کند، آنها در مراتب پائین‌تری از دوستی و همکاری قرار دارند. (ابوالحسن شیرازی و ملاقدیمی، ۱۳۸۷: ۵۵) از این‌رو، با توجه به برداشت‌های متفاوت، سوء برداشت‌ها، و بدبینی‌های موجود میان دولتمردان ایران و جمهوری آذربایجان که از گذشته هم‌چنان باقی مانده و به حالت عادی باز نگشته است، امکان حضور و فعالیت فراگیر و گسترده در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی جمهوری آذربایجان فراهم نیست و موانع جدی برای نفوذ و عمق‌بخشی جمهوری اسلامی ایران در این کشور وجود دارد.

ایدئولوژی

حاکمیت ایدئولوژی کمونیسم پیش از فروپاشی شوروی و تبلیغ جدایی دین از سیاست پس از کسب استقلال جمهوری آذربایجان سبب شده است تا پیروی از شعائر اسلامی در بین مردم کم‌رنگ جلوه کند و علی‌رغم آن‌که در این جمهوری مراسم و آئین مذهبی مانند جشن اعیاد فطر و قربان با شکوه خاصی برگزار می‌گردد، اما نشانه‌های بارز فرهنگ غربی و تأثیر آن بر

زندگی اجتماعی مردم به وضوح مشاهده می‌شود. (روحی قره‌باغ، ۱۳۸۸: ۱۲۴-۱۲۵) از طرف دیگر، دولت آذربایجان از همان ابتدای تشکیل به دلیل تنوع قومی و رویارویی با همسایه‌ی خود ارمنستان نیازمند یک ایدئولوژی وحدت‌بخش برای ایجاد انسجام ملی بوده است. از این نظر، جمهوری آذربایجان نمونه‌ی بارز جامعه و دولتی است که نیازمند ایدئولوژی همگون‌ساز است. (<http://www.rasekhoon.net>) در راستای اتخاذ این ایدئولوژی، ایلچی بیگ به‌عنوان یک ناسیونالیست افراطی و هوادار ترکیه با مواضع ضدروسی و ضدایرانی در تلاش بود تا با تأکید بر ایدئولوژی پان‌ترکیسم و هویت ترکی مردم جمهوری آذربایجان، هویت ملی مردم این کشور را تعریف کند. (<http://www.azariran.com>) ایدئولوژی پان‌ترکیسم برای ایلچی بیگ نه تنها مبنایی برای ملت‌سازی بود، بلکه به بخشی از گفتمان اصلی سیاست خارجی وی تبدیل شده بود. بر پایه‌ی این ایدئولوژی بود که ایلچی بیگ در سخنرانی‌های خود، دولت ایران را متهم به بدرفتاری با آذری‌زبانان ایران می‌کرد و خواستار خودمختاری برای آذری‌های ایران می‌شد. سیاست‌های یکجانبه‌ی آذربایجان در عرصه‌ی خارجی (گرایش صرف به ترکیه و غرب) و شکست‌های پی‌درپی جمهوری آذربایجان در جبهه‌های جنگ و اشغال بخش‌های زیادی از سرزمین‌های آن (علاوه بر منطقه‌ی قره‌باغ) توسط ارتش ارمنستان، باعث شد تا حمایت عمومی از سیاست‌های حکومت ایلچی بیگ کاسته شود و زمینه‌ی لازم برای سرنگونی حکومت وی توسط نظامیان به رهبری سرهنگ صورت حسین‌اف فراهم شود. پس از ایلچی بیگ، و به قدرت رسیدن حیدر علی‌اف تا اندازه‌ی زیادی سیاست‌های داخلی و خارجی ایلچی بیگ کنار گذاشته شد. علی‌اف اگرچه با اتخاذ یک سیاست خارجی متوازن و حفظ مناسبات با ترکیه، روابط خارجی کشورش را با ایران گسترش داد، و رویکرد متفاوتی را در حل بحران هویتی و پروژه‌ی ملت‌سازی در پیش گرفت؛ با این حال، با جایگزین کردن ایده‌ی پان‌آدریسم به‌جای پان‌ترکیسم تا حدودی همان رویه‌ی اتحاد آذری‌زبانان را ادامه داد. حزب حاکم آذربایجان در سال‌های پس از استقلال، همواره بر اصطلاح «آذربایجان نوین» تأکید کرده و کوشیده است تا با کاربرد مفاهیمی مانند «زبان آذربایجانی» و یا «فرهنگ آذربایجانی»، هویت مستقل و ملت‌سازی خاصی را در جمهوری آذربایجان شکل دهد. در این رویکرد اگرچه از پان‌ترکیسم اجتناب شده، اما نوعی سیاست

پان‌آذرستی که به مناطق آذری‌نشین ایران هم‌نگاهی طمعکارانه دارد، در پیش گرفته شده است. (<http://www.azariran.com>) به‌طور کلی، جمهوری آذربایجان در مسیر ناسیونالیسم تند گام بر می‌دارد. (کریمی‌پور، ۱۳۷۸: ۲۶) ایدئولوژی پان‌ترکیسم و پان‌آدریسم ضمن آن‌که در تعارض جدی با ایدئولوژی اسلامی ایران قرار دارد، به دلیل برخورداری از رویکرد انضمام‌طلبی و تبلیغ ایده‌ی آذربایجان واحد خوشایند جمهوری اسلامی ایران نیست. بدیهی است این تعارضات ایدئولوژیکی دو کشور را در تقابل جدی قرار می‌دهد.

چالش‌ها در محیط خارجی جمهوری آذربایجان

مداخله و ایفای نقش بازیگران منطقه‌ای از قبیل ترکیه، رژیم صهیونیستی و سایر بازیگران مهم و تأثیرگذار فرامنطقه‌ای مانند آمریکا که در صدد بهره‌گیری از وضعیت موجود و به‌دنبال تحمیل الگوی خود در جمهوری آذربایجان هستند و سعی دارند تا از یک طرف بر قدرت و نفوذ جهانی خود بیفزایند و از طرف دیگر، از توسعه‌ی نفوذ و عمق‌بخشی جمهوری اسلامی ایران جلوگیری به‌عمل آورند، از جمله عوامل و متغیرهای تأثیرگذار در محیط خارجی جمهوری آذربایجان به‌شمار می‌رود. از این نظر، در صحنه‌ی شطرنج سیاسی جمهوری آذربایجان به نوعی شاهد «رویاریوی و رقابت الگوها» (نوروزی، ۱۳۷۹) هستیم. پس از روی کار آمدن حیدر علی‌اف، جمهوری آذربایجان با فراهم کردن زمینه‌های حضور اقتصادی، فرهنگی و سیاسی غرب و ادغام ساختارهای اقتصادی و سیاسی کشور با منافع غرب، از جمله پیوستن به طرح مشارکت برای صلح سازمان ناتو، عضویت در شورای اروپا، رویاریوی با جنبش‌های اسلام‌گرا، خود را در جرگه‌ی کشورهای مورد حمایت غرب قرار داد. هدف دولتمردان آذربایجان در کنار تثبیت پایه‌های حکومت خود و حل مشکلات اقتصادی، حل بحران قره‌باغ بود. در این دوره سیاست خارجی آذربایجان بر مبنای سیاست غرب‌گرایانه که خروج از محور روسیه و ایران و گرایش به ساختارهای یوروآتلانتیکی را هدف داشت، استوار شد. علی‌اف در این راه از الگوی ترکیه پیروی می‌کرد که از سوی غرب به‌عنوان کشوری نمونه معرفی شده بود. (امیری، ۱۳۸۵: ۲۵۳) از نظر آمریکا ترکیه الگوی مطلوبی برای کشورهای منطقه‌ی قفقاز در زمینه‌های مختلف می‌باشد، چرا که ترکیه کشوری با گرایش‌های غربی و

عضو پیمان ناتو، معتقد به جدایی دین از سیاست و مدافع منافع غرب در منطقه می‌باشد. بدون شک هدف آمریکا در معرفی ترکیه به‌عنوان یک الگو و کمک به این کشور برای نفوذ در منطقه در راستای جلوگیری از گسترش نفوذ جمهوری اسلامی ایران و ایجاد مانع جهت گسترش اسلام سیاسی و تأمین منافع غرب می‌باشد. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۳۵-۱۳۶) مقامات ترکیه، کشورشان را دارای دمکراسی جا افتاده و غیرمذهبی می‌دانند که در آن حقوق اساسی بشر، حاکمیت قانون و اصل اقتصاد مبتنی بر بازار مورد احترام است. از نظر آنها چنین ویژگی‌هایی باعث می‌شود که ترکیه الگویی برای کشورهای دنیای اسلام و کشورهای تازه استقلال یافته باشد. (Ministry of Foreign Affairs of Turkey, 1998, 6) تشویق کشورهای این منطقه به تغییر خط خود از روسی به لائین، کوشش برای تبدیل ترکی استانبولی به زبان مشترک منطقه، برگزاری گردهمایی با شرکت سران کشورهای ترک زبان منطقه، پخش شبانه‌روزی برنامه‌های تلویزیونی خصوصی و دولتی برای این جمهوری‌ها، تأسیس مدارس دینی و مراکز آموزش حرفه‌ای در کشورهای منطقه برای ترویج فرهنگ ترکیه و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی آن از مهم‌ترین این فعالیت‌هاست. (عطایی، ۱۳۷۸: ۱۱۲-۱۱۳) به این ترتیب، طبیعی است که آذربایجان با وجود روابط گسترده با غرب و ترکیه نمی‌تواند روابط خود را با ایران گسترش داده و آن را بهبود ببخشد.

آمریکا با تجزیه‌ی شوروی و استقلال کشورهای جدید در منطقه‌ی قفقاز، به‌دنبال حاکم‌نمودن حضور خود در منطقه برای دستیابی به موفقیت‌های جدید می‌باشد. ابزارهای نفوذ آمریکا سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، اطلاعاتی، قراردادهای دوجانبه، سازمانی (مانند ناتو و شورای مشارکت در صلح ناتو)، سازمان‌های غیردولتی، و شرکت‌های چندملیتی است. (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۸۲) به‌دنبال فروپاشی شوروی و به‌وجود آمدن فضای لازم برای گرایش‌های اسلامی و تلاش ایران برای یافتن راه‌های گسترش روابط با کشورهای مسلمان تازه استقلال یافته، آمریکا و دنیای غرب از اسلام سیاسی و پدید آمدن یک بلوک اسلامی در دوره‌ی گذار و انتقال، نگرانی جدی داشتند. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۳۲ و عطایی، ۱۳۷۹: ۴۸) بررسی اظهارات و هشدارهای مقامات آمریکایی در آن مقطع به‌خوبی این نگرانی‌ها را نشان می‌دهد. انعکاس این بیم و هراس در سخنان برژینسکی به خوبی نمایان است: "گرداب خطرناکی که ممکن است از

ایجاد خلأ جغرافیای سیاسی برای آمریکا و روسیه پدید آید، همانا اسلام‌گرایی است. بیداری اسلامی رشد یافته نه فقط یک تضاد و برخورد با منافع روسیه بلکه تهدیدی علیه حاکمیت برتر آمریکا در جهان و منطقه است." (Berzinski, 1994, 235) با توجه به شیعه بودن جمهوری آذربایجان و پیوندهای تاریخی، فرهنگی مردم این کشور با مردم ایران نگرانی‌ها در مورد این کشور بیش تر از سایر کشورها بوده است. از طرف دیگر، خود دولتمردان آذربایجان نیز که از گسترش اسلام‌گرایی نگران بودند، در این مورد دیدگاه مشترکی با آمریکایی‌ها داشتند. این دیدگاه و برداشت مشترک از مقوله‌ی اسلام‌گرایی عامل مهمی در مهار گرایش‌های اسلامی و محدودکردن نفوذ جمهوری اسلامی ایران بوده است.

وارد کردن کشورهای منطقه در حوزه‌ی مناسبات نظامی و امنیتی غربی از جمله برنامه‌ها و سیاست‌های آمریکا در مناطق همجوار ایران می‌باشد. در این راستا، اساس سیاست آمریکا در قفقاز سیاست «همه چیز بدون ایران» تشکیل می‌دهد. (نانی، ۱۳۷۷: ۱۱۰) بر این اساس، آمریکا میزان روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را با قفقاز با میزان روابط این جمهوری‌ها با جمهوری اسلامی ایران و دوری و نزدیکی با آن می‌سنجد و سعی بر کنترل روابط این کشورها با آن دارد. مانع تراشی در راه احداث و استفاده از خطوط لوله‌ای که از ایران می‌گذرد، نمونه‌ی بارز این جهت‌گیری سیاسی می‌باشد. رفتارهای سیاسی جمهوری آذربایجان نسبت به ایران و آمریکا و دوری این کشور از جمهوری اسلامی ایران و نزدیک شدن به آمریکا نیز مؤید این نظر می‌باشد. (جواری، ۱۹۶: ۱۳۸۰) رابطه‌ی آمریکا با جمهوری آذربایجان و نفوذ در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی این کشور را باید از همین زاویه مورد بررسی قرار داد. نفوذ سیاسی بالای آمریکا در جمهوری آذربایجان و نوع رابطه با احزاب این کشور از جمله مواردی است که قابل تأمل می‌باشد. در این میان، شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم در جمهوری آذربایجان و رشد سریع احزاب سیاسی، زمینه‌ی مساعدی را برای نفوذ آمریکا و جذب نخبگان سیاسی فراهم کرده است. نقش آمریکا در این کشور تا حدی تعیین‌کننده شده است که در سال ۱۳۷۴ هنگامی که وزارت دادگستری جمهوری آذربایجان تعدادی از احزاب را غیرقانونی اعلام کرد، برخی از رهبران احزاب در مقابل سفارتخانه‌های خارجی از جمله

آمریکا تجمع کرده و خواهان محکومیت اقدام دادگستری از سوی آنها شدند. هم‌چنین موضع ضد ایرانی این احزاب از جمله معیارهایی است که آمریکایی‌ها برای حمایت از آنها لحاظ می‌کنند. (جوانی، ۲۰۲: ۱۳۸۰)

مهار جمهوری اسلامی ایران (و هم‌چنین روسیه) یکی از محورهای سیاست خارجی آمریکا در منطقه بوده است. آذربایجان اولین کشوری بود که به داخل مجموعه‌ی ائتلاف آمریکا در منطقه جذب گردید. آمریکا تلاش کرد تا با ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و حتی مداخله‌ی مستقیم خود، نه تنها عامل تهدید برای جمهوری اسلامی ایران باشد، بلکه اجازه ندهد تا این کشور از فرصت‌های موجود به‌ویژه فرصت‌های اقتصادی بهره‌برداری نماید. بنابراین، می‌توان گفت محور آمریکا - ترکیه به همراه رژیم صهیونیستی - آذربایجان برای مهار روسیه و جمهوری اسلامی ایران در منطقه شکل گرفت. (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۳: ۶۱۱) در سال‌های اخیر، نظریه‌ی منطقه امنیتی از ونکوور تا ولادی وستک، به منزله‌ی رویکرد امنیتی گروه‌های محافظه‌کار در آمریکا محسوب می‌شود. (متقی و پاژن، ۱۳۹۱: ۸۵) بر این اساس، سیاست گسترش ناتو به شرق و عضویت کشورهای منطقه در سازمان امنیت و همکاری اروپا در چارچوب اقدامات غرب قرار دارد. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۳۵-۱۳۶) راهبرد گسترش ناتو را می‌توان به‌عنوان فرایندی دانست که از اروپای شرقی آغاز شده و حوزه‌های مربوط به آسیای مرکزی، قفقاز، آسیای جنوب غربی و غرب آسیا را در بر خواهد گرفت. فرآیندهای موجود نشان می‌دهد بازیگرانی مانند جمهوری آذربایجان در میان مدت جذب ناتو خواهند شد. (متقی و پاژن، ۱۳۹۱: ۸۳-۹۵) آمریکا با تفکر سازمان‌گرایی کشورهای حوزه‌ی قفقاز را تحت پوشش قرار می‌دهد و شورای مشارکت در صلح ناتو به ابزار آن برای نفوذ در منطقه اشاره دارد. (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۸۶) مطابق اصل کمیابی می‌توان استدلال نمود که هر اندازه نفوذ سیاسی و فعالیت اقتصادی سایر قدرت‌ها در منطقه توسعه یابد، دامنه‌ی فرصت‌های ایران برای بهره‌برداری از موقعیت‌ها و امکانات موجود کاهش می‌یابد. (نوروزی، ۱۳۷۹: ۱۱۴) در مجموع، آمریکا محدود ساختن نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه را یکی از عمده‌ترین اهداف و وظایف خود می‌داند.

ایجاد موانع اقتصادی برای جمهوری اسلامی ایران یکی دیگر از اقدامات آمریکا برای منزوی کردن ایران در منطقه می‌باشد. بر همین مبنا، در منطقه‌ی قفقاز، آمریکا به‌عنوان قدرت جهانی، محاصره‌ی اقتصادی ایران را در چارچوب سیاست جلوگیری از مشارکت ایران در سرمایه‌گذاری‌های نفت و گاز به‌ویژه جلوگیری از انتقال انرژی منطقه از طریق خاک ایران سازمان داده است. (امیر احمدی، ۱۳۷۷: ۵) در راستای این سیاست‌ها بود که در زمان دموکرات‌ها به رهبری کلینتون، آمریکا مانع عبور خط لوله از ایران گردید. (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۸۵) این در حالی است که در مورد مسیر سایر طرح‌های انتقال انرژی در منطقه‌ی قفقاز نیز چنین رویکردی دنبال می‌شود. محروم کردن ایران از سهام کنسرسیوم نفتی آذربایجان معروف به قرارداد قرن^۱ و واگذاری امتیاز آن به سایر کشورها از جمله تصمیمات اقتصادی جمهوری آذربایجان بوده است که ضربه‌ی سنگینی را به روابط سیاسی دو کشور وارد کرد. در نتیجه، این اقدام دولت آذربایجان که در پی فشارهای دولت آمریکا به وقوع پیوست، جوی از بی‌اعتمادی بر روابط سیاسی دو کشور سایه انداخت.

همجواری منطقه‌ی قفقاز با ایران به‌ویژه هم‌مرزی جمهوری آذربایجان، برای دشمنان جمهوری اسلامی ایران امکانات و فضای عمل بسیار مناسبی را فراهم می‌کند. از این نظر، همجواری منطقه‌ی قفقاز با ایران از جنبه‌ی راهبردی برای رژیم صهیونیستی دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد (روشندل، ۱۳۷۷: ۱۲۷)، زیرا جمهوری اسلامی ایران بزرگ‌ترین دشمن این رژیم به حساب می‌آید. بررسی‌ها نشان می‌دهد که روابط کشور آذربایجان با رژیم صهیونیستی از یک نیاز متقابل و دوطرفه شکل گرفته است. از دید کشورهای منطقه، رژیم صهیونیستی به دلیل داشتن مهارت‌های بالای فناورانه می‌تواند آنها را به کشورهای مدرن و توسعه‌یافته تبدیل کند. تصویر دولتمردان آذربایجان و سایر کشورهای حوزه‌ی جنوبی شوروی سابق از این رژیم، تصویر کشوری کوچک اما قدرتمند (از نظر سیاسی و اقتصادی قوی و در عین حال، یک کشور غیردینی و سکولار) است و

۱ - این قرارداد بین جمهوری آذربایجان و شرکت‌های چندملیتی از آمریکا، انگلستان، ترکیه، نروژ و روسیه به‌منظور تولید و بهره‌برداری از حوضه‌های نفتی آذری چراغ و گونشلی منعقد شده است. به‌دنبال عقد این قرارداد سی سال حق استخراج منابع نفتی در این حوزه‌ها به شرکت‌های خارجی واگذار شده است.

به‌عنوان یک جامعه سرمشق به‌شمار می‌آید. (ارس، ۱۳۸۷: ۷۵) هم‌چنین این رژیم به‌عنوان دروازه‌ی جهان غرب و به‌خصوص آمریکا شناخته می‌شود. جمهوری آذربایجان در بین جمهوری‌های منطقه بهترین رابطه را با رژیم صهیونیستی دارد. این رژیم در چارچوب سیاست‌های کلان خود حمایت خود را از جمهوری آذربایجان دریغ نداشته و یکی از شرکای بالقوه‌ی جمهوری آذربایجان به‌حساب می‌آید. یکی از محورهای همکاری فروش تجهیزات نظامی و تسلیحات از طرف رژیم صهیونیستی به جمهوری آذربایجان می‌باشد. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۴۳) یکی از اهداف مهم سیاست‌های رژیم صهیونیستی از حضور در جمهوری آذربایجان محاصره‌ی جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران است. (پورمهرانی، ۱۳۸۹: ۶۹) البته این اولین تلاش رژیم صهیونیستی برای ایجاد یک حوزه‌ی نفوذ در منطقه‌ی خاورمیانه بزرگ نیست و می‌توان آن را در چارچوب راهبرد قدیمی بن‌گوریون تحت عنوان «راهبرد پیرامون» تفسیر نمود. این رژیم در سال‌های دهه‌ی ۱۹۵۰، در صدد بود تا یک اتحاد خاورمیانه‌ای غیرعربی شامل ترکیه، اتیوپی، ایران و رژیم صهیونیستی به‌وجود آورد. این تلاش، در نهایت به دلیل سقوط شاه ایران در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ به شکست انجامید. از آن زمان به بعد، رژیم صهیونیستی در صدد گسترش روابط خود با هر کشور مسلمان «میان‌رویی» بوده است که مایل است به تلاش جهت از بین بردن چهره‌ی ضد اسلامی آن، یا از بین بردن این برداشت که تمام کشورهای مسلمان علیه رژیم صهیونیستی متحد شده‌اند، کمک کند. گذشته از این، حضور اقلیت یهودی و وجود منابع غنی نفت و گاز در این کشور، باعث شده جمهوری آذربایجان جایگاه ویژه‌ای برای رژیم صهیونیستی داشته باشد و از این نظر، نقش فعالی نیز در مسائل آن داشته باشد. (احمدی، ۱۳۸۷: ۷۲) مبارزه با مظاهر تمدن اسلامی و قداست‌زدایی از مقدسات مسلمانان از دیگر انگیزه‌های رژیم صهیونیستی برای حضور در جمهوری آذربایجان به‌شمار می‌رود. بدیهی است با پیگیری چنین سیاست‌هایی، زمینه‌های لازم برای سیاست‌های ضد ایرانی و مقابله با ایجاد فضای ضد صهیونیستی در یک کشور اسلامی فراهم می‌شود. (گلی، ۱۳۸۹: ۶۳) در این میان، مواضع حمایتی رژیم صهیونیستی در بحران قره‌باغ از جمهوری آذربایجان این رژیم را قادر ساخته است تا موازنه‌ی خوبی را در منطقه‌ی قفقاز به نفع خود ایجاد کند. (احمدی، ۱۳۸۷: ۷۴) حضور این رژیم در کنار مرزهای ایران حاوی پیام‌های معناداری است. حضور رژیم صهیونیستی در کشور آذربایجان به‌عنوان

یک کشور مسلمان شیعه از ناموفق بودن برنامه‌های عمق‌بخشی جمهوری اسلامی ایران حکایت دارد. هم‌چنین قرار گرفتن بستر جغرافیایی جمهوری آذربایجان در اختیار رژیم صهیونیستی از جمله نگرانی‌های جدی امنیتی ایران به‌شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران به‌طور طبیعی از فرصت‌های عالی و عمده‌ای برای عمق‌بخشی در جمهوری آذربایجان برخوردار است. پیوندها و روابط عمیق فرهنگی، تاریخی، مذهبی و جغرافیایی بین مردم دو کشور امتیازات بزرگی هستند که در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار دارد؛ امتیازاتی که در اختیار هیچ‌یک از کشورهای دنیا قرار ندارد. با این حال، روندهای موجود نشان می‌دهد که در مقام عمل هیچ‌کدام از این فرصت‌ها از حالت بالقوه به حالت بالفعل در نیامده و به عمق‌بخشی مطلوب جمهوری اسلامی ایران منتج نشده است.

چالش‌های محیط داخلی آذربایجان که بیش‌تر از نوع حاکمیت سیاسی، برداشت‌های ذهنی و ایدئولوژی سیاسی ناشی می‌شود، از موانع اساسی عمق‌بخشی جمهوری اسلامی ایران به‌حساب می‌آیند. از نظر نوع حکومت و نظام سیاسی ماهیت غیردینی دولت آذربایجان یک عامل منفی و بازدارنده‌ی جدی برای اجرای برنامه‌های عمق‌بخشی جمهوری اسلامی ایران که از ماهیتی اسلامی برخوردار است، به‌شمار می‌رود. از این جهت، دولت جمهوری آذربایجان نفوذ اندیشه‌های انقلاب اسلامی ایران را یک خطر جدی برای خود می‌داند. برداشت‌های ذهنی هیأت حاکمه‌ی جمهوری آذربایجان نیز از همان ابتدای تشکیل آن در تعارض اساسی با جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است. حاکمیت نگرش امنیتی در سیاست‌ها، تبلیغات شدید ضد ایرانی، اتهام کمک به ارمنستان در مناقشه‌ی قره‌باغ و حمایت ایران از اسلام انقلابی به سوء برداشت‌ها و بدبینی‌های مزمن و پایداری در روابط دو کشور تبدیل شده‌اند. چنین فضایی از مناسبات مانع جدی برای حضور فراگیر سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در آذربایجان ایجاد کرده است. از جنبه‌ی ایدئولوژیک نیز هنوز ایدئولوژی اسلامی و پیروی از شعائر اسلامی در جامعه‌ی آذربایجان از گستردگی و عمق لازم

و مناسب برخوردار نیست و نشانه‌ها و مظاهر فرهنگ غربی که بر زندگی اجتماعی بیش‌تر مردم حاکم و تأثیرگذار است، به‌صورت آشکاری مشاهده می‌شود.

مداخله و حضور روزافزون بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قفقاز و جمهوری آذربایجان که بیش‌تر با هدف کاهش نفوذ و حضور جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گیرد، از عوامل تأثیرگذار در محیط خارجی جمهوری آذربایجان به‌شمار می‌رود. این بازیگران خارجی در حال تضعیف فرصت‌های فرهنگی، مذهبی، تاریخی و جغرافیایی بوده و در مجموع منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. جذب شدن جمهوری آذربایجان به ائتلاف غرب و ورود آن به حوزه‌ی مناسبات نظامی-امنیتی و ساختارهای یوروآتلانتیکی که با پیوستن آن به برنامه‌ی مشارکت برای صلح ناتو و عضویت در شورای اروپا جنبه‌ی عملیاتی به خود گرفته است، و همزمان شاهد افزایش نفوذ سیاسی، فرهنگی، اقتصادی کشورهای غربی در منطقه هستیم، دامنه‌ی فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران را برای بهره‌برداری از موقعیت‌ها و امکانات موجود کاهش داده و به تضعیف نقش و جایگاه آن در منطقه یاری می‌رساند. گذشته از این، قرارگرفتن بستر جغرافیایی جمهوری آذربایجان در اختیار دشمنان جمهوری اسلامی ایران همانند رژیم صهیونیستی از تهدیدات جدی امنیتی است که می‌توان به آن اشاره کرد.

بنابراین، علی‌رغم وجود زمینه‌های بسیار مساعد برای پیشبرد برنامه‌ها و دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان به وضوح ما شاهد پیشی گرفتن رقبای منطقه‌ای و هم‌چنین دشمنان در این کشور هستیم. جمهوری اسلامی ایران برای موفقیت برنامه‌های عمق‌بخشی خود در جمهوری آذربایجان نیاز مبرم به بازنگری و بازاندیشی در سیاست‌ها، تصمیمات و راهبردهای گذشته‌ی خود دارد. روندهای موجود علائم نگران‌کننده‌ای از مخاطرات و تهدیدات را نشان می‌دهد که شایسته‌ی توجه و آینده‌نگری هوشمندانه است. بنابراین، برای موفقیت کار سخت و دشواری پیش روی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. جمهوری اسلامی ایران باید به آن‌چنان سطحی از توانمندی در عرصه‌های گوناگون برسد که

جمهوری آذربایجان را در موقعیتی قرار دهد تا آنچه را می‌خواهد، آنها طلب کنند. بهترین کار و مسیر برای رسیدن به این هدف می‌تواند با ایجاد جذابیت‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیکی و برنامه‌ریزی‌های دقیق و اصولی فراهم شود که در این میان باید به قدرت نرم بهای بیش‌تری داده شود.

منابع

فارسی

- ۱- احدی، محمد (۱۳۸۷)؛ «جغرافیای امنیتی کشورهای همجوار»، مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی، تهران.
- ۲- احمدوند، علی محمد (۱۳۸۶)؛ «مدیریت راهبردی، دوره دکتری روابط بین‌الملل»، دانشکده پیامبر اعظم (ص)، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران.
- ۳- ارس، بولنت (۱۳۸۷)؛ «راهبرد اسرائیل در آذربایجان و آسیای مرکزی، مطالعات خاورمیانه»، مترجم حمید احمدی، شماره ۲۰، زمستان، ۶۳-۸۸.
- ۴- اسدی کیا، بهناز (۱۳۷۵)؛ «جمهوری آذربایجان، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی»، تهران.
- ۵- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله و ملاقدیمی، علیرضا (۱۳۸۷)؛ «اصول و ساختار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری آذربایجان»، فصلنامه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۲، تابستان.
- ۶- احمدی، حسین (۱۳۹۰)؛ «بررسی کتاب‌های درسی جمهوری آذربایجان با تأکید بر کتاب‌های تاریخی»، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، سال ۱۲، شماره ۴۶.
- ۷- امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۷۷)؛ «ایحران افغانستان و سیاست منطقه‌ای ایران»، مجله‌ی اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال سیزدهم، شماره ۱ اول و دوم، مهر و آبان.
- ۸- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۴)؛ «روابط ایران و جمهوری آذربایجان: نگاه آذری‌ها به ایران»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.
- ۹- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۲)؛ «بررسی کشورشناسی جمهوری آذربایجان»، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح تهران.
- ۱۰- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۲)؛ «امنیت جمهوری آذربایجان و ناتو، فصلنامه‌ی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز»، سال دوازدهم، دوره سوم، شماره ۴۲، تابستان.
- ۱۱- امیری، مهدی (۱۳۸۵)؛ «ارزیابی روابط ایران و جمهوری آذربایجان در قرن بیستم»، مجلس و پژوهش، سال ۱۳، شماره ۵۳، زمستان.

- ۱۲- پورمهرانی، مه‌ران (۱۳۸۹): «چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در مرزهای پیرامونی»، نشر نوآور، تهران.
- ۱۳- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳): «مدیریت بحران»، مرکز تحقیقات راهبردی ریاست جمهوری، تهران.
- ۱۴- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (۱۳۸۷): «جمهوری آذربایجان»، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
- ۱۵- دهخدا، علی‌اکبر؛ «لغت‌نامه‌ی دهخدا»، قابل دسترس در: <http://www.vajehyab.com>
- ۱۶- روحی قره‌باغ، حوزه (۱۳۸۸): «آذربایجان»، مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی، تهران.
- ۱۷- رضایی، محسن (۱۳۸۴): «ایران منطقه‌ای»، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
- ۱۸- روشندل، جلیل (۱۳۷۷): «پیمان نظامی و امنیتی ترکیه و اسرائیل، فصلنامه‌ی مطالعات خاورمیانه»، شماره‌ی ۱۴ و ۱۵، تابستان و پائیز.
- ۱۹- جوانی، یداله (۱۳۸۰): «ایده‌ی آذربایجان بزرگ و راهبرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، رساله‌ی دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران.
- ۲۰- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۳): «تهدیدات امنیتی منطقه‌ای ایران پس از جنگ سرد: پیامدها و پاسخ‌ها»، فصلنامه‌ی سیاست خارجی، سال هجدهم، شماره‌ی ۳، پائیز.
- ۲۱- ذوعلم، علی (۱۳۸۴): «تأملی در مفهوم "چالش" واژه "چالش" در ادبیات اجتماعی- فرهنگی ایران»، زمانه، سال چهارم، شماره‌ی ۳۶، شهریور.
- ۲۲- علی‌بخشی، محمدرضا (۱۳۹۱): «بررسی ارتقای هویت شیعیان جمهوری آذربایجان در راستای عمق‌بخشی جمهوری اسلامی ایران»، دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم (ص)، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران.
- ۲۳- عطایی، فرهاد (۱۳۷۹): «رقابت در منطقه: بررسی سیاست‌های ایران و ترکیه»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره‌ی سوم، پاییز.
- ۲۴- عطایی، فرهاد (۱۳۷۸): «نگرش جدید در سیاست منطقه‌ای ترکیه»، فصلنامه‌ی خاورمیانه، سال ۶، شماره‌ی ۳ پائیز، صص ۱۱۲ - ۱۱۳.
- ۲۵- عمید، حسن (۱۳۸۵): «فرهنگ فارسی عمید»، انتشارات ابن‌سینا، تهران. قابل دسترس در: <http://www.vajehyab.com>
- ۲۶- غفاریان، وفا و غلامرضا کیانی (۱۳۸۶): «راهبرد اثربخش»، نشر فرا، تهران.
- ۲۷- هاشمی، غلامرضا (۱۳۸۴): «امنیت در قفقاز جنوبی»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.
- ۲۸- هرزیگ، ادموند (۱۳۷۵): «ایران و حوزه جنوبی شوروی سابق»، ترجمه‌ی کامل احتشامی اکبری، مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.
- ۲۹- فلاح، رحمت‌الله (۱۳۹۰): «محیط سیاسی اسلام‌گرایی شیعی در جمهوری آذربایجان»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال دوازدهم، شماره‌ی ۴۵، بهار.
- ۳۰- فولر، گراهام (۱۳۷۳): «قبله عالم ژئوپلیتیک ایران»، ترجمه‌ی عباس منخبر، نشرمرکز، تهران.

- ۳۱- قلی‌زاده، سیدابراهیم (۱۳۹۱): «عمق‌بخشی دفاعی و جغرافیا»، (جزوه درسی دوره دکتری جغرافیای نظامی) دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم^(ع)، دانشگاه جامع امام حسین^(ع)، تهران.
- ۳۲- گلی، حسن (۱۳۸۹): «اسرائیل و سیاست قداست‌زدانی از اسلام در جمهوری آذربایجان»، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال دوم، شماره ۴.
- ۳۳- کریمی‌پور، یداله (۱۳۷۹): «مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)»، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم، تهران.
- ۳۴- کفاش جمشید، محمدرضا (۱۳۸۴): «بررسی تأثیرات جریان‌ات قوم‌محور جمهوری آذربایجان بر امنیت ملی ایران»، معاونت پژوهش دانشگاه جامع امام حسین^(ع)، تهران.
- ۳۵- کفاش جمشید، محمدرضا (۱۳۷۵): «تحلیلی از نیروهای مرکزگرا و مرکزگریز در آذربایجان ایران»، معاونت پژوهش دانشگاه جامع امام حسین^(ع)، تهران.
- ۳۶- واحدی، الیاس (۱۳۸۲): «برآورد راهبردی آذربایجان»، مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، تهران.
- ۳۷- مصاحبه‌ی مؤلف با کارشناس مسائل جمهوری آذربایجان (۱۳۹۲/۷/۱۳).
- ۳۸- معین، محمد (۱۳۵۰): «فرهنگ معین»، انتشارات امیرکبیر، تهران. قابل دسترس در: <http://www.vajehyab.com>
- ۳۹- متقی، ابراهیم و پاژن، مژگان (۱۳۹۱): «اجلاس‌یه شیکاگو، تحول در راهبرد امنیتی ناتو در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۲»، فصلنامه‌ی راهبرد دفاعی، سال دهم، شماره ۳۸، تابستان.
- ۴۰- محمود اوغلو، یعقوب، خلیل‌اف، رافیق و آقاف، صابر (۱۳۸۲): «سرزمین پدری، ترجمه‌ی سفارت ایران در باکو»، تهران: اداره اطلاعات ستاد مشترک سپاه - معاونت خارجی.
- ۴۱- مجمع تشخیص مصلحت نظام (بی تا)، «جمهوری آذربایجان».
- ۴۲- ناصر خیل، رشید (۱۳۹۰): «بررسی فرصت‌ها و چالش‌های عمق‌بخشی جمهوری اسلامی ایران در بین شیعیان ترکیه»، دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم^(ص)، دانشگاه جامع امام حسین^(ع).
- ۴۳- نوروزی، نورمحمد (۱۳۷۹): «تقابل ایران و ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز»، فصلنامه‌ی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال نهم، دوره‌ی سوم، شماره ۲۹، بهار.
- ۴۴- نانی، جولیا (۱۳۷۷): «دیدگاه‌های امنیتی آمریکا و مسأله انتقال انرژی از حوزه خزر»، ترجمه‌ی وجیه صادقیان خوری، فصلنامه‌ی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم، دوره‌ی سوم، شماره ۲۱، بهار.

اتکلیسی

- 45- Berzinski, Zbigniew (1994) "World Order Of The Future", Dawn Karachi, March.

- 46- Ministry of Foreign Affairs of Turkey (1998) " *Foreign Policy of Turkey*," Series , No. 8, Ankara, March, p. 6.
- 47- <http://www.verdinejad.com/visitorpages/show.aspx>
- 48- <http://www.ensani.ir/fa/content/125490/default.aspx>
- 49- <http://www.asnoor.ir/Public/Articles/ViewArticles.aspx?Code=202723>
- 50- <http://daneshnameh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php>
- 51- <http://www.rasekhoon.net/article/show/214928>
- 52- <http://www.azariran.com/main/index.php>
- 53- <http://www.arannews.ir/fa/news/35510.aspx>
- 54- <http://mehreardebil.blogfa.com/post-19.aspx>
- 55- <http://hosseima.mihanblog.com/post/22>
- 56- <http://hamandishi.net>
- 57- <http://www.aztpo.com/Azerbaijan/Desc.asp?id=2691&id2=101000&id5=1>